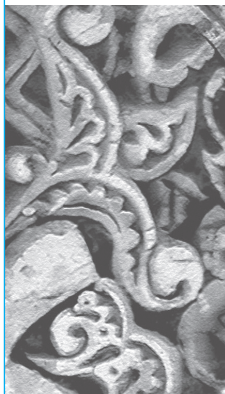
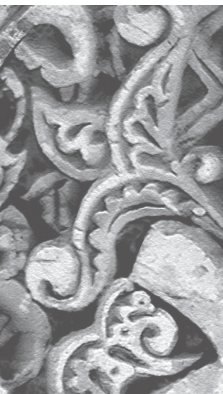


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرثیہ
خورشید

ویژہ شہادت امام جواد  ع





سرشناسه	: جلائیان اکبرنیا، علی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پندآور	: مرثیه خورشید: (ویژه شهادت امام جواد علیه السلام)/ مؤلف علی جلائیان اکبرنیا؛ از زیاب علمی جواد محدثی؛ ویراستار محتوایی سعیده تیمورزاده؛ به سفارش معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر	: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۷۶ ص؛ ۱۹×۹/۵ سم.
شابک	: رایگان 6-21-6090-978-622
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۷۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	: محمدین علی (ع)، امام نهم، ۱۹۵ - ۲۲۰ ق.
موضوع	: محمدین علی (ع)، امام نهم، ۱۹۵ - ۲۲۰ ق. -- فضایل
موضوع	: Muhammad ibn Ali, Imam V -- Virtues
موضوع	: محمدین علی (ع)، امام نهم، ۱۹۵ - ۲۲۰ ق. -- کرامت‌ها
موضوع	: Muhammad ibn Ali, Imam IX -- Karamat
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده	: Astan Qods Razavi . Islamic Relief and Communication Assistant
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات اسلامی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷/۴۵/۴۸ BP۴۸
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۸۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۹۸۹۷۰



آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات اسلامی

عنوان: مرثیه خورشید

نویسنده: علی جلائیان اکبرنیا

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

ویراستار محتوایی: سعیده تیمورزاده

ویراستار زبانی: سیده منصوره رضوی

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی

طراح جلد: سید حسن موسی زاده

طراح گرافیک و صفحه‌آرا: امین کوثری

چاپخانه: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

نشانی: مشهد مقدس، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی،

بعد از باب الهادی علیه السلام، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

حق چاپ محفوظ است.



- ۴ هُوَ الْجَوَادُ
- ۷ تولد و شخصیت امام جواد علیه السلام
- ۸ امامت امام جواد علیه السلام
- ۱۲ کرامات و فضایل اخلاقی
- ۱۲ صبر و استقامت
- ۱۳ شجاعت
- ۱۵ جود و بخشش و خدمت رسانی به مردم
- ۲۱ بیان حکم الهی به بهای جان
- ۲۶ شهادت امام جواد علیه السلام
- ۲۸ کتابنامه
- ۳۱ مسابقه فرهنگی

هُوَ الْجَوَادُ

اگر امروز که روز شهادت امام جواد علیه السلام است، در وجود خود، اندوهی احساس می‌کنیم، برخواسته از حزن و اندوه خاندان عصمت و طهارت است. در این باره امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ
فَاخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَ
يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ
أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ فِيْنَا فَأَوْلِيكَ مِنَّا وَالْيَنَا وَ
هُمْ مَعَنَا فِي الْجَنَانِ^۱.

خداوند سبحان از موجودات زمین آگاه است؛ پس [بهترین‌ها را برای هدایت بشر در نظر گرفت و] ما را انتخاب کرد و برای یاری ما، شیعیانمان را انتخاب کرد. آنان به خاطر شادی ما شاد و به خاطر اندوهمان اندوهگین می‌شوند و جان و مالشان را در راهمان هزینه می‌کنند. آنان از ما ایند و به سوی ما می‌آیند و در بهشت با ما هستند.

۱. علی بن محمد لیشی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۲.



آخر ماه ذی قعدة^۱ یادآور حادثه تلخ شهادت امام نهم، حضرت جواد الائمه علیه السلام است. امامی که در اوایل قرن سوم هجری، یعنی سال ۲۰۳ ق^۲ و پس از ۱۹۳ سال امامت امامان پیش از خویش و پس از حادثه تلخ شهادت پدر بزرگوارشان امام رضا علیه السلام، امامت و راهنمایی امت اسلامی را برعهده گرفتند.

ایشان در زمان پذیرش منصب امامت، بیش از هشت سال نداشتند.^۳ این امر به ظاهر بعید است؛ ولی در میان انبیای الهی، سابقه داشته است و قرآن در داستان حضرت یحیی و عیسی علیهم السلام به آن اشاره کرده است: ﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۴ (ای یحیی، کتاب الهی را با قوت بگیر! ما در کودکی به او فرمان [نبوت] دادیم.)

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾^۵ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (مریم به او اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کودکی سخن بگوییم که در گاهواره است؟!») [ناگهان عیسی علیه السلام زبان به سخن گشود و] گفت: «من

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲. محمدبن جریر طبری، دلائل الإمامة، ص ۳۹۴.

۳. محمدبن جریر طبری، دلائل الإمامة، ص ۳۹۴.

۴. مریم، ۱۲.

۵. مریم، ۲۹ و ۳۰.

بندۀ خدایم. او کتاب آسمانی به من داده و مرا پیامبر
قرار داده است.»

آری، کسانی که با فرهنگ دین آشنایند، به خوبی
می دانند امامت و رهبری امت اسلامی از سوی خداوند،
به بهترین انسان ها واگذار شده است و تابع سن و سال
نیست. خدا بهترین انسان ها را انتخاب کرده و بار
امانت خویش را بردوش آنان نهاده و امامت مردم را به
آن ها سپرده است. آن بزرگواران نیز با استمداد از نیروی
الهی، این رسالت را به بهترین وجه بردوش کشیده اند.
مطالعه زندگی کوتاه امام جواد علیه السلام به خوبی این
موضوع را برای ما روشن می کند که این امام نیز مانند
دیگر امامان معصوم علیهم السلام، به مقتضای اوضاع زمان
خود، گشتی هدایت را سگان داری کردند و سن ایشان
تأثیری در این مهم نداشته است.



تولد و شخصیت امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام دهم ماه رجب سال ۱۹۵ق، در مدینه دیده به جهان گشودند.^۱ ایشان را محمد نامیدند. پدر گرامی شان، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام^۲ و مادرشان سبیکه هستند که این بانوی بزرگوار، خیزران و ریحانه نیز خوانده می شدند.^۳

آن حضرت در داشتن تمام صفاتِ زیبای اخلاقی و انسانی، سرآمد خوبان روزگار بودند. پارسایی و علم و بخشندگی ایشان موجب شده بود با القاب جواد، تقی، مرتضی و منتجب شناخته شوند؛^۴ اما در این میان، لقب «ابن الرضا»^۵ به خاطر شکوه و جلال امام رضا علیه السلام، در میان مردم شهرت بیشتری داشت. حضرت بنا بر صحیح ترین دیدگاه، یگانه فرزند امام رضا علیه السلام هستند.

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۴۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۴. محمد بن علی بن شهر آشوب سزوی مازندرانی، مناقب آل

ابی طالب، ج ۳، ص ۳۹۶.

۵. محمد بن محمد مفید (شیخ مفید)، الإرشاد فی معرفة حجج الله

علی العباد، ج ۲، ص ۲۸۱.

امامت امام جواد علیه السلام

در دوران امامت امام نهم علیه السلام مانند دوران امامت پدر بزرگوار و فرزند ارجمندشان، مباحث اعتقادی و میان‌مذهبی به صورت جدی رخ نموده بود و به آن توجه می‌شد. در این دوره، فرقه‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی رشد یافته بودند و دانشمندان برجسته‌ای در این دوران، زندگی می‌کردند؛ همچنین علوم و فنون سایر ملت‌ها پیشرفت کرده بود و کتاب‌های زیادی به زبان عربی ترجمه شده و در دسترس قرار گرفته بود که موجی از افکار و اعتقادات مختلف را در میان مسلمانان ایجاد کرده بود.

حاکمان وقت نیز از این امر استقبال می‌کردند و به مترجمان، صله و هدیه می‌دادند تا با این روش، در مقابل افکار ناب و الهی امامان معصوم علیهم السلام مانعی بسازند و مردم را به افکار مختلف و ترجمه‌شده مشغول کرده و از امامان علیهم السلام دور کنند.

امام جواد علیه السلام با سرمایه‌ی خدایی امامت که از سرچشمه‌ی ولایت مطلقه و الهام ربّانی مایه گرفته بود، مانند پدر بزرگوار خویش، برای پاسداری از دین الهی، با رویکرد ویژه‌ای به مباحث اعتقادی و مذهبی می‌پرداختند. ایشان ضمن بیان مسائل اعتقادی به زبان ساده و مطابق نیاز عموم مردم، در جلسات مناظره



با نمایندگان افکار و ادیان مختلف، از کیان دین دفاع می‌کردند.

امام نهم علیه السلام در مقام رهبری امت اسلام، به مقتضای نیاز زمانه، چنان در عرصه علم درخشیدند که دوست و دشمن را به تعجب وا داشتند. گفت‌وگوها، مناظرات، پاسخ به شبهات عصر، گفتارهای حکیمانه و خطابه‌های آن حضرت، گواه روشنی بر این مدعا است.

علی بن ابراهیم از پدرش این‌طور نقل کرده است: بعد از شهادت امام هشتم علیه السلام، به زیارت خانه خدا مشرف شدیم؛ آنگاه به محضر امام جواد علیه السلام رفتیم. بسیاری از شیعیان نیز در آنجا گرد آمده بودند تا امام علیه السلام را زیارت کنند. عبدالله بن موسی، عموی امام جواد علیه السلام که پیرمرد بزرگواری بود و در پیشانی‌اش آثار عبادت دیده می‌شد، به آنجا آمد. او به حضرت احترام فراوانی کرد و وسط پیشانی ایشان را بوسید.

امام نهم علیه السلام بر جایگاه خویش قرار گرفتند. مردم به علت خردسال بودن حضرت، با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کردند [و در این فکر بودند که آیا این

نوجوان می‌تواند از عهده مشکلات دینی و اجتماعی مردم، در جایگاه رهبری و امامت آنان برآید؟! [مردی از میان جمع بلند شد و از عبدالله بن موسی، درباره حکمی پرسش کرد. عبدالله پاسخ داد: «بعد از قطع دست راستش، به او خدمی زنند.» امام جواد علیه السلام با شنیدن این پاسخ ناراحت شدند و به عبدالله بن موسی فرمودند: «عموجان، از خدا بترس! از خدا بترس! کار خیلی سخت و بزرگی است که در روز قیامت، در برابر خداوند عزّ و جل قرار بگیری و پروردگار بفرماید: 'چرا بدون اطلاع و آگاهی به مردم فتوا دادی؟' عمویش گفت: «سرورم، آیا پدرت که درود خدا بر او باد، این‌گونه پاسخ نداده است؟!»

امام جواد علیه السلام با اشاره به سؤالی که از پدر بزرگوارشان شده بود، روشن کردند که این حکم در موضوعی خاص یاد شده است، نه آن موضوع.

عبدالله بن موسی گفت: «راست گفتم سرورم، من استغفار می‌کنم.»
مردم حاضر، از این گفت‌وگو شنود علمی



شگفت زده شدند و گفتند: «ای آقای ما،
آیا اجازه می‌فرمایید مسائل خودمان را از
محضرتان پرسیم؟!»
امام جواد علیه السلام فرمودند: «بله.» آنان
مسائل فراوانی پرسیدند و حضرت
بدون درنگ و با اطمینان کامل به همه
پاسخ دادند. این گفت‌وگوی علمی در
نه‌سالگی ایشان رخ داد.^۱

۱. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۸۵ و ۸۶.

کرامات و فضایل اخلاقی

صبر و استقامت

جواد الائمه علیهم السلام در برابر مصیبت‌ها و گرفتاری‌های روزگار، با اتکال به خداوند، شکیبا و بردبار بودند و در مقابل حوادث سخت و پیش‌آمدهای ناگوار برآشفته نمی‌شدند. بردباری در برابر ستم‌های حاکمان مستبد، صبر در ناملایمات فراوان زندگی و مدارا با همسر ناشایست، نمونه‌ای از شکیبایی حضرت است که به آن توصیه می‌کردند.

شخصی از امام جواد علیه السلام تقاضا کرد که وی را نصیحتی کنند. امام علیه السلام فرمودند: «اگر موعظه کنم، آن را می‌پذیری و عمل می‌کنی؟» گفت: «بلی.» امام علیه السلام فرمودند:

تَوَسَّدِ الصَّبْرَ وَ اغْتَنِقِ الْفَقْرَ وَ اَرْفُضِ
الشَّهَوَاتِ وَ خَالِفِ الْهَوَى وَ اعْلَمْ اَنَّكَ لَنْ
تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَاَنْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ^۱.

صبر را تکیه‌گاه و پشتوانه خود قرار ده و
[در رویارویی با] فقر [و ناکامی، آن] را در
آغوش گیر و شهوت‌ها و خواسته‌های دل
را دور بیفکن و با هوا و هوس مخالفت کن

۱. حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول عن ال الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۴۵۵.



و بدان که از تیررس نگاه خدا دور نیستی؛
پس بنگر چگونه هستی.

بر اساس نقلی دیگر از ابن مهران، امام محمد تقی علیه السلام در جواب نامه فردی که از مصیبت ازدست دادن فرزندش و سنگینی آن نوشته بود، نگاشتند: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَخْتَارُ مِنْ مَالِ الْمُؤْمِنِ وَ مِنْ وُلْدِهِ أَنْفَسَهُ لِيَأْجِرَهُ عَلَى ذَلِكَ.»^۱ (آیا نمی‌دانی که خداوند از مال و فرزند مؤمن، بهترینش را انتخاب می‌کند تا اجرش را بر این مصیبت زیاد گرداند؟!)

شجاعت

امام جواد علیه السلام مانند اجداد بزرگوار خود، شجاع بودند و بدون ترس، حق را بیان می‌کردند. این رفتار و دیگر کمالات آن حضرت، از کودکی در وجودشان تبلور داشت.

روزی مأمون، خلیفه ستمگر و عامل شهادت امام رضا علیه السلام، با مأموران حکومتی از گذرگاهی عبور می‌کردند. کودکانی که در کوچه بازی می‌کردند، با مشاهده مأموران ترسیدند و پا به فرار گذاشتند. فقط یک کودک فرار نکرد و بدون ترس ایستاد. مأمون به او رسید و پرسید: «چرا مثل دیگران فرار نکردی؟»

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۱۸.

کودک [با کمال شجاعت] اظهار داشت: «من خطایی نکرده‌ام که فرار کنم. راه هم که تنگ نیست تا کنار روم و آن را برایت باز کنم. از هرکجای راه که دوست داری، بگذر.»

مأمون [که از منطق قوی و صراحت کلام کودک تعجب کرده بود،] گفت: «تو کیستی؟» کودک [با افتخارِ تمام] گفت: «من، محمد پسر علی، پسر موسی، پسر جعفر، پسر محمد، پسر علی، پسر حسین، پسر علی بن ابیطالب علیه السلام هستم.»

مأمون پرسید: «چقدر از علوم اطلاع داری؟» امام جواد علیه السلام فرمودند: «درباره اخبار آسمانی از من بپرس.»

مأمون خداحافظی کرد و رفت و درحالی که بازی شکاری بر دست داشت، از حضرت دور شد. چون شکاری نیافت، باز را به پرواز درآورد. باز پرواز کرد و تا مدتی از افق دید ناپدید شد؛ سپس بازگشت، درحالی که یک ماهی صید کرده بود.

مأمون با دیدن این صحنه و جواب امام جواد علیه السلام، به اطرافیانش گفت: «امروز زمان صید آن کودک است.» این را گفت و به محلّ بازی بچه‌ها بازگشت. امام جواد علیه السلام در میان بچه‌ها بودند. مأمون پرسید: «از اخبار آسمان‌ها چه داری؟»



امام جواد علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان، از اجدادشان علیهم السلام تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از چگونگی صید ماهی توسط باز شکاری خبر دادند و با این توضیح، از نیت مأمون برای امتحان خویش پرده برداشتند.

مأمون در دنیایی از تحیّر، به تصدیق حضرت پرداخت و گفت: «راست گفתי و جدّت نیز راست گفت و پروردگار هم راست گفت!»

پس از این حادثه بود که مأمون با شیطنت تمام، تصمیم به ازدواج دخترش امّ فضل با امام جواد علیه السلام گرفت تا وسیله‌ای باشد برای کنترل آن حضرت.^۱

جود و بخشش و خدمت‌رسانی به مردم

جواد از القاب امام محمد تقی علیه السلام است که به آن شهرت فراوان دارند. تبلور جود و سخا در وجود آن حضرت، زمینه‌ساز این لقب برای ایشان شده است. جواد نامی از نام‌های زیبای پروردگار متعال است که در وجود ائمه اطهار علیهم السلام تجسم یافته و در وجود امام جواد علیه السلام با توجه به اوضاع جامعه در زمان ایشان، نمود بیشتری یافته است. زندگی جواد الائمه علیهم السلام سرشار از نمونه‌های فضل و بخشش است و حتی کم

۱. نک: محمد بن علی بن شهر آشوب سَرَوی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۸۸ و ۳۸۹.

افرادی نیستند که لباس ایشان را تحفه گرفته‌اند. این جود و بخشش وافر نه فقط در زمان حضور ظاهری ایشان، بلکه پس از شهادتشان نیز مشهود است؛ به طوری که بسیاری از شیعیان‌شان، با توسل به آن حضرت، خواسته‌های خویش را دریافت کرده و می‌کنند.

در زندگی امام جواد علیه السلام، خدمت به مردم و رفع نیازهای آنان فراوان دیده می‌شود؛ همان‌گونه که در متن زندگی دیگر امامان معصوم علیهم السلام نیز این خدمت‌رسانی مشهود بوده است. بر اساس روایتی از جواد الائمه علیه السلام، امام علی علیه السلام پس از بیان ارکان توبه و برشمردن سه خصلت نیکان، فرموده‌اند: «... وَ ثَلَاثٌ يُبَلِّغُنَّ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللَّهِ كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ وَ حَفْصُ الْجَانِبِ وَ كَثْرَةُ الصَّدَقَةِ.»^۱ (سه خصلت است که بنده را به مقام رضوان و خشنودی الهی می‌رساند: ۱. بسیار طلب آمرزش کردن؛ ۲. نرم‌خویی و مدارا با مردم؛ ۳. بسیار صدقه دادن.)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خدمت‌رسانی به مردم را زمینه نزل رحمت الهی دانسته و فرموده‌اند: «مَا عَظَّمَتْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَى عَبْدٍ إِلَّا عَظَّمَتْ مَثْوَنَةَ النَّاسِ عَلَيْهِ»

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۳۴۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۱.



فَمَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ تِلْكَ الْمَثُونَةَ فَقَدْ عَرَّضَ تِلْكَ التَّعْمَةَ لِلزَّوَالِ.^۱ (نعمت خداوند بر کسی فراوان نمی شود؛ مگر اینکه نیاز مردم به او زیاد شود؛ پس هر که سختی های آن را تحمل نکند [و در رفع این نیازمندی ها نکوشد]، نعمت الهی را در معرض زوال قرار داده است.)

امام جواد علیه السلام خود نیز در روایتی از پدرانشان تا امام علی علیه السلام، آثار خدمت به دیگران را برای نیکوکاران بسیار مفید دانسته و فرموده اند: «نیکوکاران به نیکی کردن، بیشتر نیاز دارند تا افراد نیازمندانی که به آن ها مراجعه می کنند؛ چرا که نیکوکاری برای آن ها، پاداش اخروی و افتخار و نام نیک را به دنبال دارد. هر که نیکوکاری می کند، اول به خودش خیر و نیکی می رساند؛ پس در عملی که برای خود انجام داده است، از دیگری توقع تشکر نداشته باشد.»^۲

مردی از اهالی سیستان که در سفری با امام محمد تقی علیه السلام همراه شده بود، از آن سفر، خاطره ای شنیدنی نقل کرده است:

۱. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۳۰۶؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۶، ص ۳۲۶.
۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۳۴۷.

در سال اول خلافت معتصم، من با امام نهم علیه السلام هم سفر شدم. همه جا باهم بودیم. روزی سر سفره غذا عرض کردم: «فدایت شوم! فرماندار شهر ما از دوستان و شیفتگان شما اهل بیت است. مأموران او برای من مالیاتی نوشته اند که پرداختن آن برایم سنگین است. شما لطف کنید و نامه ای برای او بنویسید که با من مدارا کند.»

امام جواد علیه السلام فرمودند: «من او را نمی شناسم.» گفتم: «فدایت شوم! همان طوری که عرض کردم، او از محبتین شما اهل بیت است. نامه شما به او، برای من خیلی کارساز و مشکل گشا خواهد بود.»

امام کاغذی برداشتند و چنین نوشتند: «بسم الله الرحمن الرحيم؛ اما بعد، حامل این نامه درباره تو، نکته زیبایی رایادآور شد و گفت که به آیین پسندیده ای گرایش داری. مطمئناً تو در مقابل عمل نیک، پاداش نیکی خواهی داشت. به برادرانت احسان کن و بدان خداوند از ریزترین



اعمال و رفتارت سؤال خواهد کرد!»

مرد سیستانی در آخر می گوید:

قبل از رسیدن من به سیستان، حسین بن عبدالله نیشابوری، فرماندار سیستان، از نامه امام علیه السلام باخبر شده بود و هنوز دو فرسخ مانده بود به شهرم برسم که به استقبالم آمد. نامه را به او دادم. آن را بوسید و روی چشمانش گذاشت و به من گفت: «چه می خواهی؟» گفتم: «در دفتر محاسبات شما، برای من مالیاتی نوشته اند که توان پرداختش را ندارم.» دستور داد آن را برای من ببخشند و اضافه کرد: «تا زمانی که من فرماندار شهر شما هستم، تو را از خراج و مالیات معاف کردم.» سپس از خانواده ام پرسید و من وضعیت اقتصادی خود و خانواده ام را برایش شرح دادم. دستور داد درباره مشکل معیشتی من، اقداماتی انجام شود و مقداری هم اضافه به من کمک کرد. تا او زنده و در منصب فرمانداری سیستان بود، از من مالیات و خراج نگرفتند و احسان و عطایش را تا آخر از من

قطع نکرد^۱.

مرحوم شیخ صدوق از علی بن مهزیار اهوازی که از اصحاب باوفای امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام بود، چنین حکایت کرده است:

نامه‌ای محضر مبارک امام جواد علیه السلام نوشتم که: «یابن رسول الله، در شهر اهواز و حوالی آن، بسیار زلزله رخ می‌دهد. اجازه می‌فرمایید از آن کوچ کنیم و به محلی امن برویم؟» امام علیه السلام در جواب نامه چنین مرقوم فرمودند: «در آن محل بمانید و از آنجا کوچ نکنید؛ بلکه روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه را روزه بگیرید و چون روز جمعه فرا رسید، غسل جمعه کنید؛ سپس لباس تمیز بپوشید و تمام افراد را در محلی مناسب جمع کنید و در آنجا همه باهم، با خداوند متعال راز و نیاز و مناجات کنید و از درگاه با عظمتش بخواهید که مشکل همگان را برطرف سازد.»

وقتی که همگی ما دستور حضرت

۱. نک: محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.



جواد الائمه عليهم السلام را انجام دادیم، زلزله‌ها آرام گرفت.^۱

بیان حکم الهی به بهای جان

بر اساس نقلی از محمد بن مسعود عیاشی در کتاب تفسیرش، روزی ابن ابی داود از دربار معتصم عباسی، خلیفه وقت، برگشت و درحالی که بسیار گرفته و پریشان حال به نظر می‌آمد، به زرقان گفت: «امروز آرزو کردم که کاش بیست سال پیش مرده بودم!» زرقان که دوست صمیمی او بود، پرسید: «چرا؟» او پاسخ داد: «در حضور خلیفه و ابوجعفر محمد بن علی بن موسی بودم. جریان پیش آمد که مایه شرمساری و خواری ما شد.» زرقان از چگونگی ماجرا پرسید و ابن ابی داود این‌طور شرح داد:

سارقی اقرار به دزدی کرده و از خلیفه درخواست کرده بود که حدّ دزدی بر او جاری شود تا از این گناه پاک شود. به همین منظور، فقها در حضور خلیفه جمع شده بودند. محمد بن علی را نیز خواستند که حاضر شود. معتصم از ما

۱. نک: محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۴۴.

سؤال کرد که: «در حدّ دزدی، دست دزد از کجا باید قطع شود؟» من گفتم: «از مچ دست.» معتصم گفت: «حجّت و دلیلت بر این مطلب چیست؟» گفتم: «چون دست شامل انگشتان و کف تا مچ می‌شود؛ چنان‌که در آیه تیمم آمده است: ﴿فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَ اَيْدِيكُمْ﴾^۱ عده‌ای با نظرم موافقت کردند؛ ولی عده‌ای گفتند: «واجب است دست از آرنج قطع شود.» معتصم پرسید: «دلیل این مطلب چیست؟» گفتند: «به دلیل آیه وضو که در قرآن کریم آمده است: ﴿وَ اَيْدِيكُمْ اِلَى الْمَرَافِقِ﴾^۲ (و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید.) این آیه نشان می‌دهد که دست دزد را باید از مرفق بُرید.»

در پی این اختلاف، خلیفه به محمد بن علی توجه کرد و گفت: «تو در این مسئله چه می‌گویی، ای ابوجعفر؟» ابوجعفر گفت: «حاضران در این باره سخن گفتند.» خلیفه گفت: «به صحبت آن‌ها

۱. نساء، ۴۳.

۲. مائده، ۶.



کاری نداشته باش. نظر تو چیست؟» ابوجعفر گفت: «من را از این کار معاف کنید.» معتصم گفت: «تو را به خدا قسم می‌دهم که آنچه می‌دانی، بگو!» ابوجعفر این بار پاسخ داد: «چون مرا به خدا قسم دادی، می‌گویم. این‌ها اشتباه کردند. در سنت و حدیث است که قطع دست واجب است از بیخ انگشتان باشد و بقیه دست [یعنی کف آن] باقی گذاشته شود.» خلیفه گفت: «حجت و دلالت در این باره چیست؟» ابوجعفر پاسخ داد: «قول پیامبر اکرم ﷺ که فرموده‌اند: 'سجود بر هفت عضو است: پیشانی، دو دست، دو زانو و دو پا.'^۱ اگر دست دزد را از میچ یا آرنج قطع کنید، دستی برای سجده کردن برای او باقی نمی‌ماند. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾^۲ یعنی با این اعضای هفت‌گانه که بر آن سجده می‌شود، کسی را با خدا شریک نکنید؛ بنابراین

۱. محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲. جن، ۱۸.

آنچه برای خداست، قطع نمی‌شود.»
 معتصم از این جواب خوشش آمد و دستور
 داد دست سارق را از بیخ انگشتان بپزند و
 کف را باقی بگذارند.

... پس از این ماجرا، از شدت عصبانیت
 گویی قیامت برپا شده بود و آرزو می‌کردم
 کاش زنده نبودم!

پس از سه روز ابن ابی داود نزد معتصم رفت و گفت:
 «نصیحت امیرالمؤمنین بر من واجب است. اکنون با
 تو چیزی را در میان می‌گذارم که می‌دانم به سبب آن،
 وارد جهنم می‌شوم.»

معتصم گفت: «چه شده است؟» او گفت:

وقتی علمای فرقه‌های مختلف را برای
 امری از امور دینی، گرد هم می‌آوری
 و از حکمی دینی پرسش می‌کنی و
 آن‌ها حکم آن را بیان می‌کنند و شما
 در حالی که مجلس آراسته به قدوم و زرا
 و کاتبان و سران کشوری است و مردم
 صحبت‌ها را می‌شنوند، در این جمع،
 نظر بزرگان و فقها را رد می‌کنی و حرف
 کسی را می‌پذیری که برخی از مردم،
 قائل به امامت او هستند، این امر مشهور



می شود که حق با اوست و مردم به او میل
می کنند.»

این سخنان رنگ معتصم را متغیّر کرد
و فهمید آنچه را باید می فهمید و گفت:
«خدا به خاطر نصیحتت به تو جزای خیر
دهد!»...»

این اتفاق، زمینه را برای شهادت امام جواد علیه السلام
فراهم آورد.^۱

۱. نک: محمدبن مسعود عیاشی سمرقندی، التفسیر، ج ۱،
ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

شهادت امام جواد علیه السلام

امّ فضل، دختر مأمون و همسر امام جواد علیه السلام، پس از مرگ پدرش، همراه با برادرش جعفر و عمویش معتصم که خلیفه عباسی بود، همدست شدند و توطئه شهادت امام جواد علیه السلام را چیدند و در نهایت، تصمیم گرفتند که امّ فضل، آن حضرت را مسموم کند. معتصم و جعفر، سم در انگور تزریق کردند و برای امّ فضل فرستادند. او نیز انگور را به امام خورد. جواد الائمه علیه السلام تا از انگور خوردند، طولی نکشید که آثار سم را در خود احساس کردند. در همان حال، امّ فضل پشیمان شد و گریه کرد. حضرت علیه السلام فرمودند: «چرا گریه می‌کنی؟ اکنون دیگر گریه سودی ندارد. بدان که به سبب این کار، به دردی مبتلا شوی که هرگز علاج نداشته باشد و چنان به تنگ دستی بیفتی که جبران پذیر نباشد.»

بر اثر نفرین جواد الائمه علیه السلام، امّ فضل به دردی بیمار شد که همه اموالش را در راه معالجه آن مصرف کرد؛ ولی سودی نبخشید و با نکبت‌بارترین وضع، به



هلاکت رسید. برادرش جعفر نیز در حال مستی به چاه افتاد و جسد بی‌جان‌ش را از چاه بیرون آوردند.^۱ در این مختصر، سعی شد به بهانهٔ شهادت امام جواد علیه السلام به فرازهایی از زندگانی این بزرگوار اشاره شود. امید آنکه این تلاش مقبول حضرات معصومین علیهم السلام واقع شده و برای شما خوانندهٔ گرامی مفید باشد.

ما را نیز از دعای خیر بهره‌مند سازید!

۱. نک: علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب، ص ۲۲۷؛ عباس قمی، انوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیة، ص ۲۲۵؛ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۱۳ و ۶۱۴.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن شهر آشوب سَروی مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳ و ۴، چ ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، به تحقیق و تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چ ۲، چ ۱، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۶، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۶. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، کتاب من لا یحضره الفقیه، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۷. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، چ ۱، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، به تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، ج ۲ و ۶،



- چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۹. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، به تحقیق و تصحیح مؤسسه البعثة، چ ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۰. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، التفسیر، به تحقیق و تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چ ۱، چ ۱، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۱۱. قمی، عباس، انوار البهية فی تواریخ الحجج الالهية، بامقدمه کاظم مدیرشانه چی، چ ۱، قم: مکتب الحیدریة، ۱۳۷۸ش، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.
۱۲. قمی، عباس، منتهی الآمال، ج ۲، چ ۱۳، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱ و ۳، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۴. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، به تحقیق و تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چ ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۵ و ۷۶، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۶. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، چ ۳، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ق.



١٧. مفيد (شيخ مفيد)، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، به تحقيق و تصحيح مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج ٢، ١، قم: دارالمفيد (كنگره شيخ مفيد رحمته الله)، ١٤١٣ق.



مسابقه فرهنگی

توضیحات شرکت در مسابقه

- پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.
- به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقه‌های فرهنگی شرکت کنید:

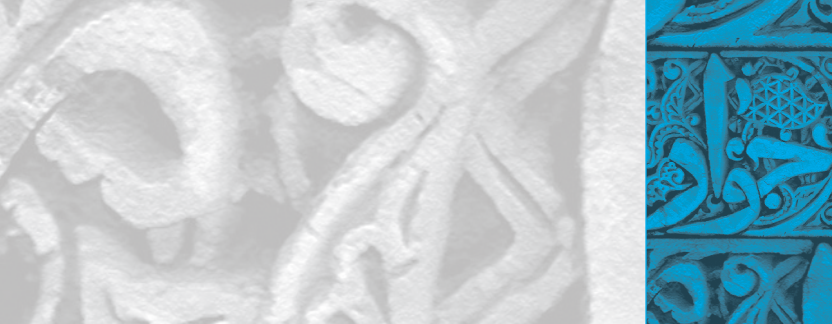
۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها را به صورت عددی پنج‌رقمی از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: مرثیه خورشید ۱۳۱۴۳ محمود سهیلی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵ ارسال کنید.



■ هزینهٔ ارسال پاسخنامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

■ آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

■ قرعه‌کشی از بین پاسخهای کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجهٔ آن نیز از طریق سامانهٔ پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۰۲۵۶۹



پرسش‌ها

پرسش اول. چرا در زمان امام جواد علیه السلام حاکمان وقت به

مترجمان صلّه و هدیه می‌دادند؟

۱. چون کار آن‌ها باعث پیشرفت علمی مردم می‌شد

۲. می‌خواستند در مقابل افکار ناب و الهی امامان معصوم علیهم السلام

مانعی بسازند

۳. چون تشویق مترجمان، باعث ترغیب مردم به فراگیری

علوم می‌شد

۴. می‌خواستند از این طریق، توجه امام جواد علیه السلام را جلب

کنند

پرسش دوم. چرا مأمون با شیطنیت تمام، تصمیم به

ازدواج دخترش امّ فضل با امام جواد علیه السلام گرفت؟

۱. می‌خواست به این وسیله، امام جواد علیه السلام را کنترل کند

۲. تحت تأثیر جود و بخشش امام جواد علیه السلام قرار گرفته بود

۳. چون این درخواست دخترش امّ فضل بود

۴. می‌خواست از این طریق محبوبیت کسب کند

پرسش سوم. بنا بر روایت امام جواد علیه السلام از پدرانشان تا امام علی علیه السلام، کدام خصلت‌های پسندیده می‌تواند انسان را به رضوان و خشنودی الهی برساند؟

۱. بسیار طلب آموزش کردن
۲. نرم خویی و مدارا با مردم
۳. بسیار صدقه دادن
۴. همه گزینه‌ها

پرسش چهارم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کدام عامل را زمینه نزول رحمت الهی دانسته‌اند؟

۱. علم آموزی
۲. خدمت‌رسانی به مردم
۳. رضایت مندی مردم
۴. انفاق مالی به نیازمندان

پرسش پنجم. امام جواد علیه السلام در پاسخ به شخصی که تقاضای نصیحت داشت، چه توصیه‌ای فرمودند؟

۱. صبر را تکیه‌گاه و پشتوانه خود قرار ده
۲. با هوا و هوس مخالفت کن
۳. جهاد در راه خدا را ترک نکن
۴. گزینه ۲۱

پاسخ‌نامه مسابقه فرهنگی مرتبه خورشید

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظرسنجی کتاب مرتبه خورشید

ردیف	موضوع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفیدبودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادهای و انتقاداتها:						
.....						
.....						

لبه کاغذ را پس از برش، تازه و بیچسبانبند

پست جواب قبول



فرستنده:

.....
.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی
صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵